

عنوان:

بررسی تأثیر محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج در توانمندسازی فراگیران

نویسندگان:

زینب صحراپور، سید محمود حسینی، یوسف حجازی

z.sahrapour@gmail.com

دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش کشاورزی، دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران؛ دانشیار؛ استادیار دانشگاه تهران

هدف کلی این تحقیق «بررسی تأثیر محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج در توانمندسازی فراگیران» می‌باشد. پژوهش حاضر از لحاظ نوع و ماهیت تحقیق، کاربردی و از نظر کنترل متغیرها، از نوع توصیفی و همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دو گروه آموزشگران و فراگیران مرکز آموزش عالی کشاورزی واقع در محمد شهر کرج می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از سرشماری بوده است که ۵۲ پرسشنامه بین آموزشگران توزیع شد و نرخ بازگشت آن ۸۸/۴۶۱ درصد بوده است و ۱۵۰ پرسشنامه بین فراگیران توزیع شد که نرخ بازگشت آن ۸۷/۳۳ درصد بود. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش دو نوع پرسشنامه بود که به طور مجزا برای دو گروه آموزشگران و فراگیران مرکز آموزش عالی کشاورزی بکار گرفته شد. روایی این ابزار با توجه به نظرات گروهی از اساتید دانشگاهی و صاحب‌نظران، و پس از اعمال نقطه نظرات اصلاحی آنان، به اثبات رسید. در ارزیابی پایایی، از ضریب کرونباخ برای پرسشنامه آموزشگران و فراگیران استفاده شد که نشان دهنده پایایی مطلوب ابزار تحقیق می‌باشد. همچنین به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده از نرم افزار *spss11.5* بهره گرفته شد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که از دیدگاه هر دو گروه مورد مطالعه بین وضعیت فعلی و مطلوب محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج اختلاف معنی‌داری وجود دارد. بر اساس یافته‌های این تحقیق برخی راه‌کارهای آموزشی مثل بالا بردن مهارت‌های حل مسئله فراگیر، ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری کارآفرینی و بالا بردن مهارت‌های ارتباطی فراگیر پیشنهاد شد، و از مؤثرترین راه کارهای آموزشی در توسعه کارآفرینی در مرکز آموزش عالی کشاورزی مورد مطالعه محسوب می‌شوند. بین نگرش آموزشگران و فراگیران در خصوص تأثیر محتوای آموزشی بر توانمندی کارآفرینانه فراگیران اختلاف معنی‌داری وجود ندارد.

واژه‌های کلیدی: محتوای آموزشی، آموزش عالی کشاورزی، توانمندسازی، مرکز آموزش عالی کشاورزی.

مقدمه:

عواملی چند در معضل بیکاری فارغ‌التحصیلان رشته‌های کشاورزی دخالت داشته که آنچه مربوط به عیب و نقص در مراکز آموزش عالی است شامل، وجود نارسایی‌ها در آموزش‌های کاربردی، ناهماهنگی در امر پذیرش دانشجو و عدم توجه به نیازهای بخش کشاورزی و آنچه که مربوط به عوامل بیرون از مراکز آموزش عالی است شامل سودآوری پایین بخش کشاورزی، فقدان راه‌کارهای قانونی برای استفاده از دانش‌آموختگان، ساختار نظام بهره‌برداری در روستاها و بالاخره عدم تأمین تسهیلات بانکی مورد نیاز می‌باشد (فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی، ۱۳۸۳).

(جلالی، ۱۳۸۳) بیان می‌دارد که صرفاً یک سوم دانش‌آموختگان کشاورزی مشغول به کار هستند و بقیه جز بیکاران جامعه محسوب می‌شوند. از طرف دیگر نیروی کار با صلاحیت برای بخش کشاورزی تأمین نمی‌شود که این جنبه هم پیامد منفی دیگری از عدم تناسب بین نیاز بازار کار کشاورزی (از نظر کمی و کیفی) و برنامه آموزش کشاورزی می‌باشد. در بخش‌های اقتصادی در سال ۱۳۸۳، بیشترین درصد شاغلین دانش‌آموخته آموزش عالی در بخش خدمات با ۲۴/۵ درصد حضور داشته‌اند. صنعت با ۳/۸ درصد و کشاورزی با ۱/۹ درصد در مراتب بعدی قرار دارند (آقاسی‌زاده، ۱۳۸۴).

از عمده‌ترین دلایل رشد معضل بیکاری در بین دانش‌آموختگان کشاورزی طبق مطالعات انجام شده موارد زیر را می‌توان اشاره کرد:

عدم تناسب محتوای آموزشی با نیاز بازار کار، تأکید بر مسایل و دروس نظری، عدم کفایت واحدهای عملی، ضعف مهارت‌های حرفه‌ای فارغ‌التحصیلان، عدم توجه به آموزش‌های کارآفرینی، ضعف مدرسان در دروس عملی و مهارتی، لزوم تأمین نیازهای خود اشتغالی (آقاسی‌زاده، ۱۳۷۹، صیوحی، ۱۳۸۰، حسینی و یعقوبی، ۱۳۸۴، بهرامی، ۱۳۸۰، فائو، ۱۹۹۸).

پیشینه تحقیق:

***حیدری (۱۳۸۱)** در تحقیق خود در زمینه وضعیت دانشجویان دوره‌های علمی-کاربردی وزارت جهاد کشاورزی موارد زیر را مورد تأکید قرار داده است.

۱. نگرش جدید در برنامه‌ریزی درسی هر دوره با توجه به ملاک‌های کارآفرینی و نیاز جامعه.
۲. تأکید محتوای آموزشی بر آموزش‌های عملی و علمی.
۳. جذب اساتید دوره علمی-کاربردی بر اساس توانایی عملی و اجرای آن.

***جهانگیری فارسی (۱۳۸۴)** تغییرات لازم را در یک مرکز آموزش عالی برای حرکت به سوی کارآفرین‌گرایی موارد زیر برشمرده است:

- ۱- تغییرات ساختاری؛
- ۲- تغییر نظام و محتوای برنامه‌های آموزشی؛
- ۳- تغییر نظام و جهت‌گیری پژوهشی؛

۴- تغییر فرهنگ اعضا، مرکز آموزش عالی و ترویج فرهنگ کارآفرینی.

*چیزری و شریعت‌زاده (۱۳۸۵) در مطالعه خود نارسایی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای و به طور خاص آموزش متوسطه کشاورزی در ارتباط با نیازهای بازار کار را در حوزه کارایی درونی این آموزش شامل جنبه‌هایی از نظام از قبیل سطح برنامه آموزشی، محتوای برنامه آموزشی، کیفیت برنامه، کار آموزشی و روش‌های گزینش هنرجویان، نحوه اجرا و اعمال مشاوره و راهنمایی شغلی آنان دانسته‌اند.

*مطالعات پارلدا و برتراند (۱۹۹۹) نشان داده است که هر گونه تغییر و تحول اساسی در نظام‌های آموزش عالی سریع بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه تأثیر می‌گذارد. آنان با بررسی آثار و برنامه‌های دانشگاه پلی‌تکنیک کاتالونیا به این نتایج رسیدند:

تأثیر تغییرات محتوایی در دوره‌های آموزشی و ارائه دوره‌ها و دروس جدید کارآفرینی در دانشگاه به سرعت صنایع و مراکز تولیدی و صنعتی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. صنایع کوچک محلی در مراحل نخست و صنایع متوسط و بزرگتر با کمی تأخیر به تغییرات ایجاد شده واکنشی مثبت نشان می‌دهند. آنها این امر را از تعداد قراردادهای همکاری در تولید، انتقال و توسعه فن‌آوری‌های نوین بین دانشگاه و صاحبان صنایع محلی منعقد شده بود به خوبی مشاهده کردند.

*Cartmall & Garton (2000) و مختاری‌پور (۱۳۸۲) در تحقیق خود وجود همبستگی مثبت بین محتوای آموزشی و بهبود کارایی شغل فراگیران را مورد تأکید قرار داده‌اند.

*Barry chambers (2002) در تحقیقات خود پیرامون فرایند تبدیل یک دانشگاه سنتی به یک دانشگاه کارآفرین راه‌کارهای زیر را پیشنهاد داده است:

- ✓ برگزاری دوره‌های آموزشی کارآفرینی برای گروه‌های مختلف (اعضای هیئت علمی، مدیران، دانشجویان).
- ✓ بازنگری در برنامه‌ها و محتوای درسی.
- ✓ تشویق و حمایت از طرح‌های خلاقانه کادر علمی و دانشجویان.
- ✓ تخصیص بخشی از اعتبارات دانشگاه در تأسیس مراکز رشد فن‌آوری.
- ✓ انجام مطالعات نیازسنجی آموزشی در مراکز تولید و خدماتی محلی.

اهداف تحقیق:

هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج در توانمندسازی فراگیران می‌باشد و اهداف اختصاصی پژوهش شامل:

۱. بررسی ویژگی‌های فردی فراگیران؛

۲.

مواد و روش‌ها:

مطالعه حاضر با هدف بررسی تأثیر محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج در توانمندسازی فراگیران انجام شده است. کلیه دانشجویان سال آخر مرکز آموزش عالی کشاورزی کرج که ۱۵۰ نفر می‌باشند جمعیت مورد

بررسی این پژوهش را تشکیل می‌دادند. پژوهش از نوع کاربردی، روش پژوهش از نوع توصیفی - پیمایشی بود. در این تحقیق نمونه با توجه به تعداد دانشجویان و آموزشگران مرکز آموزش عالی کرج انجام شد تا ضمن آنکه گویای کامل شرایط باشد، از قابلیت تعمیم بدست آمده به کل فراگیران مشابه منطقه مورد مطالعه حاصل شود. روش این تحقیق برای گردآوری داده‌ها سرشماری بوده است و ۵۲ پرسشنامه بین آموزشگران توزیع شد که نرخ بازگشت آن ۸۸/۴۶۱ درصد بوده است و ۱۵۰ پرسشنامه بین فراگیران توزیع شد که نرخ بازگشت آن ۸۷/۳۳ درصد بود.

برای این کار تعداد ۳۰ پرسشنامه به عنوان پیش آزمون در خارج از جامعه مورد مطالعه و بین دانشجویان توزیع گردید و اصلاحات نهایی اعمال شد. به عبارتی گویه‌ها در یک مجموعه منظم از عبارات دارای ترتیب خاص و دارای وزن‌های مساوی تدوین گردید، که در پایان برای هر عامل گویه‌های نهایی در یک مقیاس لیکرت عرضه شد. پس از نمره‌دهی به هر یک از گویه‌ها و توزیع پرسشنامه‌های نهایی، با حاصل جمع پاسخ‌های داده شده به گویه‌ها، امتیاز تأثیر روش‌های آموزشی بر توانمندسازی فراگیران بدست آمد.

اعتبار پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ ($\alpha=0/82$) محاسبه شد. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری و بر اساس نظر جمعی از اساتید و صاحب‌نظران مربوطه تأیید گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از معیارهائی نظیر میانگین، نمره معیار، انحراف معیار، ضریب تغییرات و آزمون‌های مقایسه میانگین‌ها مانند پیرسون، اسپیرمن، آزمون F و آنالیز واریانس در محیط نرم افزار SPSSwin نسخه ۱۱/۵ انجام گردید.

نتایج و بحث:

توزیع فراوانی پاسخگويان در خصوص ویژگی‌های فردی:

متوسط سن فراگیران مورد مطالعه در این پژوهش ۲۲/۲۹ سال است که جوان‌ترین آنها ۱۸ سال و مسن‌ترین آنها ۲۹ سال داشته‌اند. بیشترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۲۲ تا ۲۵ سال و کمترین فراوانی مربوط به طبقه سنی ۲۶ تا ۲۹ سال می‌باشد. ضمن این که انحراف معیار بدست آمده نیز برابر با ۲/۴۵۱ است.

در پژوهش حاضر از مجموع ۱۳۱ نفر فراگیر مورد مطالعه، ۶۲ نفر مرد و ۶۹ نفر زن می‌باشند.

رشته تحصیلی دوران دبیرستان:

اطلاعات بدست آمده در رابطه با رشته تحصیلی دوران دبیرستان حاکی از آن است که ۴۴/۳ درصد پاسخگويان رشته تجربی، ۴/۶ درصد رشته ریاضی و فیزیک، ۱۳/۷ درصد رشته انسانی، ۱۰/۷ درصد رشته کار و دانش، ۹/۹ درصد فنی و حرفه‌ای و ۱۶/۸ درصد افراد نیز در هنرستان کشاورزی مشغول به تحصیل بوده‌اند (جدول ۱). در ضمن نتایج نشان می‌دهد که بیشترین فراوانی مربوط به فراگیری است که دیپلم تجربی بوده‌اند.

جدول (1-1): توزیع فراوانی فراگیران مورد مطالعه بر اساس رشته تحصیلی دوران دبیرستان

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد
علوم تجربی	۵۸	۴۴/۳

۱۶/۸	۲۲	هنرستان کشاورزی
۱۳/۷	۱۸	علوم انسانی
۱۰/۷	۱۴	کار و دانش
۹/۹	۱۳	فنی و حرفه‌ای
۴/۶	۶	ریاضی و فیزیک
۱۰۰	۱۳۱	جمع

یافته‌ها حاکی از آن است که در بین افراد مورد مطالعه، فراگیران دارای سابقه شغلی ۱ سال با ۱۴/۵ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین کمترین فراوانی مربوط به فراگیران دارای سابقه شغلی ۵ سال و ۵ سال و بیشتر می‌باشد که ۴/۶ درصد کل افراد مورد مطالعه را تشکیل می‌دهند. ضمن اینکه به جز ۷۰ نفر فراگیر بیکار که مشمول این متغیر نمی‌شوند.

جدول (1-2): توزیع فراوانی فراگیران مورد مطالعه بر اساس سابقه شغلی

سابقه شغلی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱ سال	۱۹	۱۴/۵	۱۴/۵	۱۴/۵
۲ سال	۶	۴/۶	۴/۶	۱۹/۱
۳ سال	۱۱	۸/۴	۸/۴	۲۷/۵
۴ سال	۱۰	۷/۶	۷/۶	۳۵/۱
۵ سال	۳	۲/۳	۲/۳	۳۷/۴
۵ سال و بیشتر	۳	۲/۳	۲/۳	۳۹/۷
بی پاسخ	۹	۶/۹	۶/۹	۹۳/۱
بی مورد	۷۰	۵۳/۴	۵۳/۴	۱۰۰
جمع	۱۳۱	۱۰۰	۱۰۰	

دیدگاه فراگیران در خصوص محتوای آموزشی:

یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که: مواردی مانند بالا بردن مهارت‌های حل مسئله فراگیر، ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری کارآفرینی و بالا بردن مهارت‌های ارتباطی فراگیر در شرایط مطلوب دارای اولویت‌های ۱ تا ۳

هستند. ضمن اینکه از دیدگاه فراگیران مواردی مانند بالا بردن مهارت‌های ارتباطی فراگیر، چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی به فراگیران و مشارکت فراگیر در آموزش در شرایط کنونی جز اولویت‌های نخستین می‌باشند، از سوی دیگر، بر اساس همین اطلاعات گویه‌های محتوایی که ریسک‌پذیری فراگیر را بالا ببرد و محتوایی که فراگیر را در آموزش مشارکت دهد جز کم اهمیت ترین عوامل در خصوص محتوای آموزشی در شرایط مطلوب می‌باشند. ضمن اینکه از دیدگاه فراگیران مورد مطالعه مواردی مانند استفاده از تجارب کارآفرینان موفق و استفاده از فراگیران و مشارکت‌کنندگان دیگر برای آموزش دادن جز کم اثرترین عوامل پیرامون محتوای آموزشی در شرایط کنونی هستند.

جدول (3-1): اولویت‌بندی محتوای آموزشی بر اساس میزان تأثیر در توانمندی‌های کارآفرینانه فراگیران

وضعیت مطلوب				گویه‌ها	وضعیت فعلی			
اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین		اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین
۳	۰/۱۵۶	۰/۷۰۶	۴/۵۱	محتوایی که مهارت‌های ارتباطی فراگیر را بالا ببرد.	۱	۰/۵۳۳	۱/۱۴۲	۲/۱۴
۴	۰/۱۵۸	۰/۷۲۵	۴/۵۶	محتوایی که چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی به فراگیران آموزش داده شود.	۲	۰/۵۵۱	۰/۴۹	۰/۸۸۹
۷	۰/۲۱۸	۰/۹۵۶	۴/۳۸	محتوایی که فراگیر را در آموزش مشارکت دهد.	۳	۰/۵۸۶	۱/۲۳۸	۲/۱۱
۲	۰/۱۵۱	۰/۶۶۳	۴/۳۹	محتوایی که محیطی مناسب برای یادگیری کارآفرینی ایجاد شود.	۴	۰/۷۰۱	۰/۸۶	۱/۲۲۶
۱	۰/۱۳۸	۰/۶۲۵	۴/۵۰	محتوایی که مهارت‌های حل مسئله فراگیر را بالا ببرد.	۵	۰/۷۲۲	۱/۱۷۸	۱/۶۳
۸	۰/۲۵۶	۱/۱۱۴	۴/۳۴	محتوایی که ریسک‌پذیری فراگیر را بالا ببرد.	۶	۰/۷۲۵	۱/۵۳۹	۲/۱۲
۶	۰/۲۱۳	۰/۸۷۰	۴/۰۷	محتوایی که از فراگیران و مشارکت‌کنندگان دیگر برای یادگیری و آموزش استفاده شود.	۷	۰/۷۹۰	۱/۱۸۶	۱/۵۰
۵	۰/۱۹۴	۰/۸۲۴	۴/۲۴	از تجارب کارآفرینان موفق برای آموزش دادن استفاده شود.	۸	۱/۵۹۵	۰/۹۷۳	۰/۶۱

توافق سنجی دیدگاه پاسخگویان در خصوص تأثیر محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه فراگیران

جدول (1-4) دیدگاه آموزشگران و فراگیران مورد مطالعه را پیرامون تأثیر محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه فراگیران نشان می‌دهد. همان طور که مشاهده می‌گردد بین نگرش این دو گروه در خصوص بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، بالا بردن مهارت‌های حل مسئله استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی، در سطح ۱ درصد اختلاف معنی داری وجود دارد. بنابراین، دو گروه آموزشگر و فراگیر در خصوص تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت فراگیر در روش‌های آموزش کارآفرینی و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران در توانمندی کارآفرینانه فراگیران در شرایط مطلوب نظر یکسانی ندارند، به طوری که فراگیران مورد مطالعه تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت فراگیر در روش‌های آموزش کارآفرینی و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران را بیشتر از آموزشگران ارزیابی نمودند. در حالی که در زمینه بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، بالا بردن مهارت‌های حل مسئله، استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی بین نگرش دو گروه اختلاف معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین آنها در این موارد توافق نظر وجود دارد.

ضمن این که در خصوص میزان کاربرد محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه فراگیران طبق یافته‌های **جدول (1-5)** مشاهده می‌گردد که بین نگرش این دو گروه در تمام مؤلفه‌های مربوط، به جز بالا بردن مهارت‌های حل مسئله و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی در سطح ۱ درصد اختلاف معنی داری وجود دارد. بنابراین، دو گروه آموزشگر و فراگیر در خصوص تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت در روش‌های آموزش کارآفرینی، بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران در توانمندی کارآفرینانه فراگیران در شرایط مطلوب نظر یکسانی ندارند، به طوری که فراگیران مورد مطالعه تأثیر مؤلفه‌های بالا بردن مهارت‌های ارتباطی و بالا بردن مهارت‌های حل مسئله را بیشتر از آموزشگران ارزیابی نمودند. در حالی که در زمینه بالا بردن مهارت‌های حل مسئله و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی بین نگرش دو گروه اختلاف معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین آنها در این موارد توافق نظر وجود دارد.

جدول (1-5): توافق سنجی دیدگاه پاسخگویان در خصوص اهمیت محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه

سطح معنی داری	من وایت نی U	متغیر مقایسه ای	میانگین رتبه ای	
			فراگیر	آموزشگر
۰/۰۰۰	۲۵۷/۰۰	اهمیت ارتقاء ریسک‌پذیری	۱۱۰/۰۴	۲۹/۰۹

۰/۰۰۰	۹۴۰/۰۰	کاربرد ارتقاء ریسک پذیری	۷۳/۱۸	۱۳۴/۰۷
۰/۰۰۰	۱۷۲/۰۰	اهمیت مشارکت در روش‌های آموزش کارآفرینی	۱۱۰/۶۹	۲۷/۲۴
۰/۰۰۰	۶۰۱/۰۰	کاربرد مشارکت در روش‌های آموزش کارآفرینی	۷۰/۵۹	۱۴۱/۴۳
۰.۰۲۵	۲۴۲۱/۰۰	اهمیت بالا بردن مهارت‌های ارتباطی	۹۳/۵۲	۷۶/۱۳
۰/۰۰۰	۱۷۸۹/۵۰	کاربرد بالا بردن مهارت‌های ارتباطی	۹۸/۳۴	۶۲/۴۰
۰.۰۰۱	۲۱۳۰/۰۰	اهمیت بالا بردن مهارت‌های حل مسئله	۹۵/۷۴	۶۹/۸۰
۰.۷۷۲	۲۹۲۹/۰۰	کاربرد بالا بردن مهارت‌های حل مسئله	۸۹/۶۴	۸۷/۱۷
۰.۵۸۰	۲۸۶۲/۰۰	اهمیت استفاده از تجارب کارآفرینان موفق	۸۷/۸۵	۹۲/۲۸
۰/۰۰۰	۴۴۸/۵۰	کاربرد استفاده از تجارب کارآفرینان موفق	۶۹/۴۲	۱۴۴/۷۵
۰.۰۴۱	۲۴۴۶/۵۰	اهمیت یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان	۸۴/۶۸	۱۰۱/۳۲
۰/۰۰۰	۱۸۷۲/۵۰	کاربرد یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان	۸۰/۲۹	۱۱۳/۷۹
۰.۵۴۸	۲۸۵۲/۵۰	اهمیت یادگیری چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران	۹۰/۲۳	۸۵/۵۱
۰.۲۲۶	۲۶۸۱/۵۰	کاربرد یادگیری چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران	۸۶/۴۷	۹۶/۲۱
۰/۰۰۰	۱۳۵۴/۵۰	اهمیت ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی	۱۰۱/۶۶	۵۲/۹۵
۰.۰۰۰	۱۰۳۰/۵۰	کاربرد ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی	۷۳/۸۷	۱۳۲/۱۰

*معنی‌داری در سطح ۵ درصد ** معنی‌داری در سطح ۱ درصد

نتایج و پیشنهادها:

توافق سنجی نگرش پاسخگویان در خصوص تأثیر محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه فراگیران

همان‌طور که مشاهده گردید، بین نگرش این دو گروه در خصوص بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، بالا بردن مهارت‌های حل مسئله استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی، در سطح ۱ درصد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، دو گروه آموزش‌گر و فراگیر در خصوص تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت فراگیر در روش‌های آموزش کارآفرینی و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران در توانمندی کارآفرینانه فراگیران در شرایط مطلوب نظر یکسانی ندارند، به طوری که

فراگیران مورد مطالعه تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت فراگیر در روش‌های آموزش کارآفرینی و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران را بیشتر از آموزشگران ارزیابی نمودند. در حالی که در زمینه بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، بالا بردن مهارت‌های حل مسئله، استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی بین نگرش دو گروه اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین آنها در این موارد توافق نظر وجود دارد.

ضمن اینکه در خصوص میزان کاربرد محتوای آموزشی در توانمندی کارآفرینانه فراگیران، بین نگرش این دو گروه در تمام مؤلفه‌های مربوط، به جز بالا بردن مهارت‌های حل مسئله و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی در سطح ۱ درصد اختلاف معنی‌داری وجود دارد. بنابراین، دو گروه آموزشگر و فراگیر در خصوص تأثیر مؤلفه‌های ارتقاء ریسک‌پذیری، مشارکت در روش‌های آموزش کارآفرینی، بالا بردن مهارت‌های ارتباطی، استفاده از تجارب کارآفرینان موفق، یادگیری از فراگیران و مشارکت کنندگان و چگونگی غلبه بر مقاومت‌های احتمالی فراگیران در توانمندی کارآفرینانه فراگیران در شرایط مطلوب نظر یکسانی ندارند، به طوری که فراگیران مورد مطالعه تأثیر مؤلفه‌های بالا بردن مهارت‌های ارتباطی و بالا بردن مهارت‌های حل مسئله را بیشتر از آموزشگران ارزیابی نمودند. در حالی که در زمینه بالا بردن مهارت حل مسئله و ایجاد محیط مناسب یادگیری کارآفرینی بین نگرش دو گروه اختلاف معنی‌داری وجود ندارد. به عبارت دیگر بین آنها در این موارد توافق نظر وجود دارد.

پیشنهادات

۱. طبق نتایج بدست آمده، محتوا و روش‌های آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی مورد مطالعه از لحاظ تأثیرشان بر توانمندی کارآفرینانه فراگیران، تا رسیدن به وضعیت مطلوب خود فاصله دارند. لذا توصیه می‌شود در خصوص تقویت این مؤلفه‌ها، بهبود و اصلاح روش‌ها و محتوای آموزشی، اقدام جدی صورت گیرد.

۲. در خصوص محتوای آموزشی، توصیه می‌گردد با دقت بیشتر در طراحی محتوای دروس تلاش شود تا میزان تناسب این محتوا با شغل و نیازهای بازار کار به حداکثر رسیده و ضمن تأکید بر مطالب کاربردی و عملی در موضوعات درسی، به انطباق آنها با پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی و اتکاء آنها بر تحولات فن‌آوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی روز هم توجه اکید شود.

۳. از آنجایی که پاسخگویان استفاده از تجارب کارآفرینان موفق را از مؤثرترین محتوای آموزشی کارآفرینانه بر شمرده‌اند؛ لذا بهتر است که از این محتواها به شکل مناسب در امر آموزش بهره‌گیری شود.

بر این اساس ضروری است ضمن تجدید نظری دوباره در تدوین محتوای آموزشی مرکز آموزش عالی کشاورزی تلاش گردد تا محتوای درسی این دوره‌ها دارای حداکثر ویژگی‌های مؤثر باشد. (در تایید مطالعات: کاکولکی ۱۳۸۱، میررحیمی و شفیعی قصر ۱۳۸۱، عزیزی ۱۳۸۵، Roepke 2004، Hal berg 2000، Lauglo 2000)

.Byers 2000,

Examination Impacts of Curricula on Trainees' Empowerment in Karaj Higher Agricultural Education Center

Z. Sahrapour, S. M. Hosseini, and Y. Hejazi

Abstract

The research focuses on investigating impacts of curricula on trainees' empowerment in Karaj Higher Agricultural Education Center. The type of study is applied and the method is descriptive-correlative. The main approach is quantitative. The research populations are two groups of trainers and trainees in higher agriculture education center. The sample size is calculated by Cochran formula and it is assigned randomly. 56 trainers as well as 131 students were selected and studied. Two types of questionnaires were used in two groups of population for data collection purpose. They were used separately to collect information on the mentioned groups at Higher Agricultural Education Center of Karaj. Reliability of the questionnaire was estimated to be 0.87 and 0.75 and SPSS-11.5 was utilized to analyze the collected information. The research results show that based on views of two studied groups; there is a significant difference between the present and favorite educational curricula and methods of Karaj Higher Agricultural Education. Based on the research findings, some training solutions including certain educational guidelines e.g., up-scaling overall skills in problem-solving, creating enabling beds for entrepreneurship, and enhancing communicative capabilities were offered. There is not a significant difference between the views of trainers and students on the impacts of most training contexts on the students' entrepreneurship capabilities. Based on the factor analysis results, the effective factors on entrepreneurship development in Higher Agricultural Education Center were mainly originated from training methods, training content, qualifications of trainers and the trainees, management and organization, training facilities and equipments, and individual factors.

Keyword: Education curricula, Impacts, Training method, Agricultural education, Entrepreneurship